

عنوان مقاله:

جان راولز و روش تعادل اندیشه ورزانه در اخلاق

محل انتشار:

فصلنامه نقد و نظر، دوره 21، شماره 81 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 29

نویسنده:

مجید ملایوسفی - دانشیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه بین المللی امام خمینی

خلاصه مقاله:

نلسون گودمن در بحث از معضل قدیمی استقرا به مطلبی اشاره می کند که بعدها جان راولز آن را روش تعادل اندیشه ورزانه نامید و آن را به منظور استنتاج نظریه عدالت در حوزه فلسفه سیاسی به کار بست. وی مدعی بود در یک جامعه لیبرال، گزینش یک اصل خاص در باب عدالت، مستلزم ترجیحی تحکمی خواهد بود. برای حل این معضل، راولز وضع اولیه ای را فرض می گیرد که از طریق آن افراد درخصوص اصول هنجاری عدالت به توافق می رسند. از نظر او این اصول باید از طریق روش تعادل اندیشه ورزانه با احکام اخلاقی ما درباره موارد خاص و جزئی سازگاری یابند. کاربرد مفهوم تعادل اندیشه ورزانه در حوزه اخلاق را برخی فیلسوفان و صاحب نظران مورد نقدهای جدی قرار داده اند و در مقابل برخی دیگر از آن دفاع کرده اند. به نظر می رسد در حوزه اخلاق به ویژه اخلاق کاربردی نمی توان تنها با توسل به نظریه های اخلاقی و نیز اصول اخلاقی انتزاعی به حل مسائل اخلاقی پرداخت. از همین رو، به رغم مشاجره های فراوانی که از حیث نظری درباره این روش وجود دارد، از حیث عملی این روش کاربرد فراوانی در حوزه اخلاق به ویژه اخلاق کاربردی دارد؛ به گونه ای که برخی مدعی شده اند این روش تنها روش مفید در حوزه اخلاق است

کلمات کلیدی:

فلسفه اخلاق، تعادل اندیشه ورزانه، نلسون گودمن، جان راولز، روش شناسی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/542795>

